

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۷ اکتوبر ۲۰۲۰

ترور شخصیت (Personality Terror)

تروریسم با ایجاد ارعاب و وحشت در جامعه و عمدتاً توسط حکومت‌های دیکتاتوری اعمال می‌شود. کاربرد خشونت و پرخاشگری و افترا زنی از مؤلفه‌های اصلی در تعریف تروریسم است. روان‌شناختی اجتماعی از جمله در زمینه بررسی اختلالات در ارضای نیازهای بشر امری مهم است. تحلیل سیستماتیک روان‌شناختی اذعان می‌دارد که برخی از حوادث ترور شخصیت معلول وجود آسیب و اختلال در فرد مهاجم است.

حکومت اسلامی ایران نه تنها در جامعه ایران بلکه در سطح بین‌المللی به حکومت ترور و اعدام و فاسد معروف است. این حکومت جانی در مقطعی که در داخل و خارج کشور و در سطح بین‌المللی در معرض بحران و انزوا قرار می‌گیرد یکی از اعمال شناخته شده‌اش، تهدید و زندان و شکنجه و اعدام مخالفان در داخل کشور و ترور فزینی و شخصیتی و تخریب فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در خارج کشور است.

اکنون چنین شرایطی بر حکومت جهل و جنایت و ترور و اعدام اسلامی ایران حاکم است و به همین دلیل، دست و پا می‌زند تا با آفریدن جنایت‌های تازه حاکمیت خونین و وحشی خود را برای چند صباح دیگری حفظ کند. مأموران و سربازان گمنام و امام زمانی این حکومت تبه‌کار، حتی باز هم در کشوری مانند «سویدن» با هدف ایجاد رعب و وحشت از در و دیوار مخالفان خود بالا رفته و یا به طرق مختلف با تهدید و ارعاب در تلاشند «خودی» نشان دهند. چنین تلاش‌هایی نه نقطه قوت این حکومت، بلکه به عکس نقطه ضعف و زبونی و درماندگی آن، و البته رشد مبارزه و مقاومت مردم حق‌طلب و آزاداندیش و عدالت‌جو جامعه ما را به نمایش می‌گذارند.

باید توجه کرد که ماهیت تروریستی و وحشی‌گری حکومت اسلامی تغییر نکرده و اگر اکنون نمی‌تواند مانند سابق در خارج کشور دست به ترور فعالان سیاسی و فرهنگی و هنری بزند تغییر ماهیت تروریستی آن نیست بلکه شرایط مانند گذشته برای چنین جنایتی فراهم نیست. بنابراین فعالان سیاسی خارج کشور نباید نسبت به این اقدام جنایت‌کارانه حکومت بی‌تفاوت باشند. ضرب‌المثلی داریم که گفته می‌شود «نیش عقرب نه از ره کین است / اقتضای طبیعتش این است.»

متأسفانه باید اضافه کرد که در این میان سازمان‌ها و افرادی نیز هستند که آگاهانه و یا ناآگاهانه و صرفاً به‌خاطر جدائی راه‌هایشان و یا خودخواهی و خصومت و کدورت و عقده‌گشائی دست به ترور شخصیت رفقای دیروزی‌شان می‌زنند. به‌طوری که با ترور شخصیتی حکومت اسلامی هم‌صدا می‌شوند و زمینه را برای ضربه زدن به فرد مورد نظر فراهم

می‌سازند. در حالی که این افراد نه تنها عامل حکومت اسلامی نیستند، بلکه بشدت با آن مخالفند و شاید هم در حرکت‌های اعتراضی اپوزیسیون در خارج کشور، مشت‌های گره‌کرده خود را محکم‌تر هوا کنند و شعار «سرنگون‌باد حکومت اسلامی» را رساتر از دیگران فریاد بزنند!

اساساً نباید هیچ انسان آگاه و منطقی به خودش اجازه دهد که اختلاف سیاسی و شخصی و جدائی به یک خصومت و دشمنی کینه‌توزانه و آبسه‌ای چرکین تبدیل کند به طوری که مورد بهره‌برداری و سوءاستفاده سیاسی دشمنان مردم و افراد ناباب و ناهنجار قرار گیرد.



ترور شخصیت (Personality Terror)، تلاشی برای «بدنام» کردن یک فرد است. این عمل شامل اشاعه موارد دروغ و گمراه‌کننده و اغراق‌آمیز و یا دست‌کاری حقایق با هدف ارائه تصویر نادرست از فرد مورد نظر است. ترور شخصیت نوعی از افترا است که می‌تواند علاوه بر فرد، خانواده و اطرافیان او را نیز شامل شود.

ترور شخصیت پیشینه‌ای تاریخی دارد و در طول تاریخ از آن به‌عنوان جایگزینی برای حذف فیزیکی افراد به‌کار گرفته شده است. در این روش افرادی که منافع فرد یا گروهی و دولتی را به خطر انداخته‌اند، به قصد منزوی شدن و بدنام ساختن، توسط آنان مورد حمله قرار می‌گیرند.

گاهی در شیوه‌های جدید توسط حکومت‌های مستبد، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت می‌دهد. در زمان‌هایی که نتوان فردی را ترور فیزیکی کرد و یا نباید افراد مورد ترور فیزیکی قرار گیرند، سعی می‌کنند از طریق عوامل تبلیغاتی جنگ روانی و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، شخصیت‌های مطرح و مؤثر را به زیر ذره‌بین کشیده و از راه‌های غیرواقعی، ارائه اطلاعات ساختگی و جعلی، پرونده‌سازی، شهادت‌های دروغ، تحریف حقایق، آنان را ترور شخصیت نمایند.

امروز برای ترور کردن از طریق وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد که هدف آن ترور انسان‌ها از طریق به تصویر کشیدن چهره‌ای ساختگی و دروغین است.

هدف اساسی در ترور شخصیت، تغییر نگرش و رفتار مخاطبان به شخص مورد نظر است. چنان‌چه تخریب شخصیت و منزلت فرد و تحریف آراء و افکار وی با موفقیت صورت بگیرد و افکار عمومی تبلیغات منفی علیه او را باور کنند، نسبت به وی بی‌اعتماد شده و حتی ممکن است ناآگاهانه زمینه ترور فیزیکی او را فراهم سازند. به همین دلیل می‌توان گفت که ترور شخصیت به نوعی پیش نیاز ترور فیزیکی است. ترور شخصیت، همواره در طول تاریخ به شکل‌های مختلف علیه فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری وجود داشته است. گاهی حتی در بروز اختلافات و

کشمکش‌های فAMILI و خانوادگی نیز اغلب ناآگاهانه و شاید از سر خشم و انتقام‌گیری از این روش استفاده می‌شود تا احياناً به پائين آوردن ارزش و جایگاه اجتماعی فرد منجر شود. در واقع در این روش از اطلاعات نادرست و ساختگی برای تخریب شخصیتی و روانی افراد بهره گرفته می‌شود.

عاملان ترور شخصیت، برای تخریب و تضعیف افراد مورد نظر خود، از روشی شناخته شده تبعیت می‌کنند. در فرآیند ترور شخصیت، ممکن است، هر چه دروغ بزرگ ساخته شود تا ضریب لطمه زدن به فرد مورد نظر افزایش یابد و مؤثرتر واقع گردد.

این عاملان فرد مورد نظر را به‌عنوان شخصی منحرف معرفی می‌کنند تا نخست شخصیت او را مورد ترور و تخریب قرار دهند و سپس برای اثبات گفته‌های خویش، جعل و سندسازی کنند. روش دیگر هم این است که نخست عوامل و نشانه‌های متعددی را به هم می‌بافند و سپس سوژه مورد نظر را به‌عنوان یکی از مصادیق از این عوامل و نشانه‌ها معرفی می‌کنند. در واقع این نوع ستراتیژی‌ها نوعی تخریب و ضربه زدن به فرد مورد نظر است. آن‌ها از طریق دروغ‌هایی که در حالت عادی گوش شنوایی ندارند، در مقاطع مختلف احتمالاً فرصتی که گیر آورده‌اند تا سوژه مورد نظر را تخریب کنند. اما مسلم است که در حالت عادی یک فرد سالم و یا یک چهره شناخته‌شده را نمی‌توانند براحتی تخریب کنند. چرا که از همان ابتداء قصد عاملان ترور بر ملا می‌شود. به‌علاوه قبل از آن‌که خود شخص به جواب‌گویی برخیزد، انسان‌های آگاه اطرافش چنین اقدامی را محکوم می‌کنند و میدان نمی‌دهند تا تهمت و افتراء زندگان زمینه مناسبی و گوش شنوایی برای دروغ‌ها و عقده‌گشایی‌های خود گیر بیاورند.

ایجاد شک و بدبینی، به هم زدن روابط انسانی، اصلی‌ترین هدف آن‌هاست به‌طوری نوع نگاه و نگرش افراد نسبت به فرد و یا افراد دیگر را به نفع خود تغییر دهند. حتی تلاش می‌کنند که ویژگی‌های مثبت فرد که اصلاً جایی برای تخریب ندارد، به دیده شک و تردید نگریسته شود.

اما اغلب چنین روش‌هایی می‌تواند اقدامات عاملان ترور فزیکي را برای حاکمانی چون حکومت اسلامی فراهم سازند. در چنین مواقعی، وجود یک دشمن فرضی می‌تواند سرپوش مناسبی برای اقدامات غیرانسانی و غیراخلاقی و ناعادلانه باشد. استفاده از این شیوه خود می‌تواند به عوامل حکومت اسلامی و تقویت اهداف و انگیزه‌های آن‌ها برای اقدام علیه سوژه مورد نظر کمک کند.

در واقع با ایجاد این حس بدبینی جامعه نسبت به سوژه معین و سیاه‌نمایی علیه فرد مورد نظر، یک نوع خلاء امنیتی ایجاد می‌شود که عاملان ترور اقداماتی را علیه سوژه مورد نظر اعمال کنند.

تروریسم حکومت اسلامی در این چهار دهه، نشان داده است که اگر نمی‌توانند دست به ترور فزیکي بزنند در مقابل تلاش می‌کنند مستقیم و غیرمستقیم گذشته و حال و سابقه حقیقی فرد مورد نظر خود را تخریب کنند. یا با اقدامات دیگری شخصیت مورد نظر را تحت فشار قرار دهند و برای او جنگ روانی ایجاد کنند. البته زمانی که فرد دارای وجهه و سابقه مثبت و سازنده و تأثیرگذار باشد، کار عاملان ترور را با دشواری روبه‌رو می‌کند. اما تحریف ماهیت فرد، به اصلی‌ترین اقدامات آن‌ها تبدیل می‌شود، به طوری که نام آن را در اذهان عمومی تخریب کنند. در واقع آن‌ها دست به جعل‌سازی‌هایی می‌زنند تا هویت انسانی و اجتماعی واقعی فرد مورد نظر را از بین ببرند، و با تصویرسازی‌هایی که درست می‌کنند، هویتی کاذب و جدیدی برای او بسازند.

عاملان حکومت اسلامی ایران، همیشه در کمین نشسته‌اند تا نقاط ضعفی را علیه فعالان سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مخالف خود در داخل و یا خارج کشور بیابند و از آن به‌عنوان حربه تخریب، علیه آن‌ها استفاده کنند و مورد سرکوب

روحي و رواني قرار دهند. در مدت زمان اندكي انواع و اقسام اتهامات بي‌پايه و اساس و برچسب‌هاي دروغين به فرد مي‌زنند. شخصيت فرد را با برچسب‌هاي مختلفي مورد تخریب قرار مي‌دهند.

حکومت اسلامي چهل سال است که با کشاندن بسياري از شهروندان به زندان، تشکيل پرونده، دادگاهي کردن او، اعتراف گيري‌هاي اجباري در زير شکنجه و تهديد و پخش آن از تلويزيون، وجهه و اعتبار زنداني را زير سوال مي‌برد. در حالي که بسياري از پرونده‌هاي روشنفرکان و متفکران، اهل قلم، شخصيت‌هاي فرهنگي، ربط مستقيمي به سياست مخالفت مستقيم با حکومت نداشته است. با چنين پرونده‌سازي‌هائي قصد بر اين است که طيفي از جامعه طرفدار شخصيت مورد نظر را تضعيف کنند.

زمانی که مأموران امنيتي و قوه قضائيه و ساير ارگان‌هاي امنيتي نمی‌توانند جرمي را عليه زنداني سياسي پيدا کنند، با اتهامات ساختگي، جعل واقعيته‌ها، ساختن شاكيان خصوصي، شهادت‌هاي دروغين عليه او بسپچ مي‌شوند تا از اين طريق دروغ‌پردازي‌ها، وجهه «قانوني» پيدا کنند. يکي از توطئه‌هائي که در سازمان‌هاي جاسوسي دنيا از جمله وزارت اطلاعات حکومت اسلامي ايران کاربرد فراوان دارد پاپوش درست کردن است. يعني به‌شکلي ساختگي شرايطي فراهم آورند که فرد يا کشوري را متهم جلوه بدهند. از شيوه‌هاي مورد استفاده:

- جعل و تقلب و تصويرسازي جعلي به‌منظور پرونده‌سازي و وارد کردن اتهام يا تخریب کردن وجهه انساني و اجتماعي فرد.

- تحريك فرد يا کساني و ارگان‌هائي براي اقامه دعوا از شخص يا بر اساس دلايل واهي و بي‌اساس يا بر پايه مدارک جعلي.

- به دروغ عليه فردي در مجامع رسمي شهادت دادن و يا قسم دروغ خوردن.

- از انحرافات اخلاقي او سخن به ميان مي‌آورند و به زندگي خصوصي فرد وارد مي‌شوند. به دروغ و کذب به فرد نسبت‌هاي ناروا مي‌دهند. و حتي براي اثبات گفته‌هاي خويش افراي دست‌نشانده را به‌عنوان شاهد مي‌آورند تا از فرد به‌دليل فساد اخلاقي شکايت کنند و شهادت دهند.

- خراب کردن و به بدی ياد کردن، سر زبان‌ها انداختن، توهين و بي‌حرمتي کردن، تهمت‌زدن به فرد، به‌طوري او را يک انسان پليد، بد سيرت و ... تداعي کنند.

- در قالب سياست تواب‌سازي، نه تنها بازجويان، زندانيان را نه تنها مجبور به نفي گذشته‌شان مي‌کنند، بلکه گاهي حتي از ايشان مي‌خواهند تا عليه هم‌زمان‌شان به اقداماتي عملي دست زنند.

در نتيجه اولين و مهم‌ترين تاکتيک براي تواب‌سازي قطع هرگونه پيوند با سازمان‌ها و نهادهاي است که در گذشته فرد به آن‌ها تعلق داشته است. هدف اصلي از اعتراف‌گيري، علاوه بر بي‌اعتبار کردن آن سازمان و نهاد اجتماعي فرد، تحريف ماهيت فرد هم است، به‌طوري که هويت آن در اذهان عمومي خدشه‌دار شود.

- بعد از فرآيند بي‌اعتبار سازي، قصد بر اين است که شخص از صحنه فعاليت‌هاي سياسي و فرهنگي کنار رود و در اذهان عمومي به فراموشي سپرده شود.

- هدف اساسي در ترور شخصيت، تخریب شخصيت و منزلت فرد و تحريف آراء و افکار وی است تا افکار عمومي تبليغات منفي عليه او را باور کنند، نسبت به وی بي‌اعتماد شده و حتي ممکن است عليه او تحريك شوند. براي همين مي‌توان گفت ترور شخصيت پيش‌نياز ترور فزيکي است.

تبلیغات سیاه و سیاه‌نمائی و بهره‌گرفتن از روابط و شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک و... توانائی سیاه‌نمائی کاری را دارند که در اصل اتفاق دلیلی برای اثبات آن و یا روشن کردن مصادیق زشت یک عمل به دست نمی‌آید. در واقع نشان دادن تصویر وارونه و مخوف از فرد و ساختن معرفی نامه‌های غیر واقعی از او.

- ساخت و یا مونتاژ فلم و تصاویر جعلی و غیر واقعی و یا غیر اخلاقی برای فرد. چنین اعمالی یک جرم وحشتناک، بی‌رحمانه و غیر اخلاقی است که نمی‌توان برای وقوع آن مجازاتی تعیین کرد. اما با این وجود ترور شخصیت، جرمی است بی‌مجرم.

نهایتاً در این نوشته تلاش کردم در مورد ترور شخصیت تعریف و دیدگاه علمی و نسبتاً همه‌جانبه ای ارائه دهم که دست‌کم در این چهار دهه گذشته حاکمیت جمهوری اسلامی با آن‌ها مواجه بودیم و هنوز هم هستیم. اما متأسفانه برخی شهروندان نیز تحت تأثیر چنین تبلیغات و ترویج‌های مداوم حکومت اسلامی و رسانه‌های آن قرار گرفته‌اند به‌طوری که ترور شخصیت یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تنش و سوءاستفاده بین افراد و یا برخی سازمان‌ها در جامعه تبدیل شده است.

ترور شخصیت نوعی از افترا و دروغ و ریاکاری است که می‌تواند علاوه علیه سازمان و نهادی باشد که فرد در آن‌ها فعال است و در عین حال خانواده و اطرافیان او را نیز شامل شود. در طول تاریخ حکومت‌ها و گاه سازمان‌های سیاسی و حتی رفقای دیروزی از آن به‌عنوان حربه‌ای علیه همدیگر استفاده کرده‌اند. گاهی شیوه‌های ترور فزیکتی دولتی، جای خود را به ترور شخصیت داده است. گاهی نیز توسط رفقای دیروزی و یا حتی اقوام علیه همدیگر و با هدف انتقام‌گیری اعمال شده و مشغله و درگیری روانی ایجاد شده است.

چنین اقدامی باعث می‌شود حتی شخصیت‌های برجسته و بانفوذ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز نزد مخاطبان و طرفداران‌شان دچار بی‌مهری و تخریب قرار گیرند.

باید چنین روش‌های مخرب را با قدرت محکوم کرد و به هیچ‌عنوانی و توجیهی نباید به چنین رفتارهای زشت و غیر اخلاقی میدان مانور داد.

مهم‌تر از همه، نباید تروریسم حکومت اسلامی را در شرایط موجود حساس و بحرانی ایران و منطقه و جهان دست‌کم گرفت و نسبت به آن بی‌تفاوت شد!

اما آن‌چه که مسلم است عوامل و جاسوسان نفوذی حکومت اسلامی ایران، جداً از تحرکات، سوءاستفاده از موقعیت‌ها و انسان‌ها، فریب‌دادن‌ها و خودفریبی‌ها، خودنمائی‌ها و غیره، همواره در دلهره و نگرانی و ترس دایمی به‌سر می‌برند. آن‌ها، همواره نگرانند روزی که شناسائی شدند چه بر سرشان پیدا خواهد آمد.

البته ما کنشگران سیاسی و فرهنگی خارج کشور همانند میلیون‌ها انسان رنج‌کشیده و دردمند و در عین حال مبارز و نترس داخل کشور، نه تنها در مقابل تهدیدها و سرکوب و زندان و اعدام و ترور حکومت اسلامی ترس و واژه‌های نداریم، بلکه با تمام توان و قدرت و امکانات در جهت سرنگونی کلیت این حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی گام‌های جدی برمی‌داریم. ما به‌کلی و زیربنائی به‌دنیای آزاد و برابر و مرفه پس از حکومت اسلامی می‌اندیشیم و برنامه‌ریزی می‌کنیم!

سه‌شنبه پانزدهم مهر [میزان] ۱۳۹۹ - ششم اکتوبر ۲۰۲۰

* طرح از پیکاسو